

# چهره‌های شعر امروز ایران ۲

مهرداد فلاح

۱۴۴

به سال ۱۳۳۹ در دهکدهٔ مشوپشته از توابع لاهیجان زاده شد.

تحصیلات دانشگاهی اش در رشته‌ی مخابرات بود که ناتمام ماند.

از آثارش دفتر شعری با نام تعلیق - یادآوری‌ها که مشترکاً با جعفر خادم چاپ کرده است، را می‌توان نام برد. او مجموعه شعر در بهترین انتظار و مجموعه‌ای که شعرهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۹ را در بر می‌گیرد، زیر چاپ دارد.

جای پا

می‌آید

به ناگهان و

دریا را با خود

به خیابان می‌ریزد

چه شگفت است



این که در عبورِ سر به هوایش  
ویران نمی شود  
شهر

و آنگاه که می گذرد  
باقی می ماند  
جای پای بزرگش  
بر سنگفرش

نامی تازه  
خاطره ای فراگیر

پشت دروازه

بهار

پشت همین دروازه بسته  
خواب رفته است



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

تا بشکنم این قفل  
این طلسم قدیمی را  
دهان از طعم کلمات مانده می شویم  
و نویرانه نام تو را  
به زیر زبان  
مزوزه می کنم

این ترانه که بشکفتد  
فرشته و کودک

با هم

بیدار می شوند

زیر پلکهای بسته

چیدن سرانگشتان تو  
چیدن غنچه چای است  
در سپیده دم نخستین

و به که می آید  
میهم نمی کند تو را  
تنها به لطافت پوست تو می افزاید

من با طرح رخسار تو  
به زیر پلکهای بسته  
آتشی انبوه می افروزم



از دهان الهه

خطاب من به تو  
از دهان تمناست

وقتی که هنوز از من دوری

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پنهانی  
پرتال جامع علوم انسانی

وقتی که می آیی

دیگر

من نیستم که سخن می گویم  
و خطاب من به جهان  
از دهان عادل توست  
نامش

شعر

در این گستره نهی

ملکوتِ بی‌ملایکی ست  
این گستره تھی  
که حجم معلق خود را  
با گوی‌های ملتہب سوزان  
پُر می‌کند

حیرانیِ ذهنِ بی‌خاطره  
پَریشانیِ رخسارِ بی‌آینه  
راہِ بی‌فرجام

و هراسِ من که مگر  
چشمِ سایه‌هامان  
تنها  
به تماشا نشسته باشد

قربانی

موجی که پنجره اتاق را  
شکسته بود

اینک

به رویای خفتگان می‌ریزد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

فردا

در جریانِ طولانیِ این سیلاب  
آواری باستانی است

قربانی

ترانه نمی‌خواند

صدای ضجه او

چهار سمتِ جهان را

برمی‌آشوبد.